

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: محمد رحیم افضلی

سوم نومبر ۲۰۱۱

پاکستان

عمق ستراتیژی منطقه نی انگلیسها در انتقام از

افغانستان

۱۲

سناریوی سوم و یا بازی امریکا انگلیس!

برای روشن شدن عمق رقابت پنهانی فی مابین امریکا انگلیس و این که انگلیسها به همکاری پاکستانی ها چگونه امریکا را به تدریج در باتلاق افغانستان انداخته و می اندازند لازم است مرور گذرا به عملکرد و اتخاذ مواضع آنها پیرامون حمله به افغانستان نموده، باشد که طینت ناپاک آنها بر ملا گردد!

واقعیات فعل و انفعالات انجام شده پیرامون عملکرد آنها در منطقه، به خصوص افغانستان نشان می دهد که اهداف پنهانی و بلند مدت بازی های انجام شده و یا در حال انجام قدرت های بزرگ جهانی، فراتر از حمله به افغانستان برنامه ریزی شده است. و الا این گونه به درازا نمی کشید!

حقیقت امر این است که ضرورت تفکر مبتنی بر اندیشه اسلام حکومتی و یا حکومت اسلامی به عنوان یک رنسانس اسلامی علاوه بر این که به تجربه گرفته شده است، امید واری انسان سر خورده از قدرت های ضد ارزشی و انسانی را در رابطه با اسلام و انقلاب اسلامی چندین برابر نموده است.^(۱)

تجربه ای که هر روز به وسعت و پهنا ی آن افزوده میشود.

در کنار گسترش روز افزون رنسانس اسلامی، پیروزی جهادگران تبر به دوش دشمن برانداز ملت مسلمان افغانستان آرامش دشمنان اسلام و انقلاب اسلامی را بر هم زده است!

بناء بد نام کردن مجاهدین، انحراف جهاد و جلوگیری از رشد اندیشه انقلاب اسلامی در منطقه و هکذا جهان، افغانستان و ایران اسلامی از اهداف اصلی و ستراتیژیک منطقه نی دشمنان انقلاب اسلامی در منطقه می باشد!^(۲)

با در نظر گرفتن موقعیت منطقه ئی افغانستان در رابطه با کشورهای منطقه من جمله پاکستان، هند، آسیای میانه، چین و ایران که از موقعیت حساس و در عین حال ستراتیژیک برخوردار بوده و است می توان گفت:

افغانستان آسیب دیده و موجود، فرصت را برای بازیگران اصلی که در اندیشه رهبری و هدایت جهان بشری بر آمده اند ممکن ساخته و این احتمال می رود که تداوم رقابت فی مابین قدرت های در گیر در افغانستان توازن قواء را بر هم زده باعث در دسر جهانی گردد! چنانچه قراین موجود حاکی از اتفاق فوق الذکر را می نمایاند!

دهه اول:

ده سال جهاد و مقاومت پیگیر ملت مسلمان و مجاهد افغانستان همراه با خلق ارزشهای اسلامی و انقلابی و هکذا باور میلیونوی مردم مسلمان جهان نسبت به اسلام و انقلاب اسلامی شکست شوروی متوفی را به عنوان نخستین سناریوی تاریخ رقم زد!

دهه دوم:

ده سال دوم، جنگ، بی اعتمادی و اختلافات فی مابین احزاب و گروههای سیاسی، جهادی و نظامی همراه با انواع شکنجه های ناشی از آن، که تا دیروز صحبت از شهادت، ایثار و ارزش می نمودند، ملت ما را در بلاتکلیفی و بد اعتمادی قرار داد تا جایی که پدیده ای به نام طالب را بر ملت و دولت ما تحمیل نمودند!

درحقیقت دومین سناریوی غم انگیز تاریخ را بر کشور ملت تحمیل نمودند!

به راستی اگر دست اندرکاران سیاسی افغانستان به خصوص بزرگان عالیقدر جهاد پس از پیروزی یکدیگر را تحمل می نمودند و به ملت و حتی دوستان شان دروغ نمی گفتند! خیانت نمی کردند! روح شهداء را از خود ناراضی نمی ساختند! حزب گرایی و باند بازی نمی کردند! در بی نهایت به سرمایه داران و زمین خواران و هوتل داران جهت خوش گزرانی های ارادل و اوباش تبدیل نمی شدند! نه قومندانها جرأت جسارت و گستاخی پیدا می کردند و نه ملت سخت کوش و دوست داشتنی افغانستان به آنها پشت می کرد که پیروزی شان را عزا گرفته و از طالبی که ساخته و پرداخته دشمنان ملی و بین المللی آنهاست آن گونه استقبال نمی کردند!

حضور توأم با چپاول دشمنان دینی و ملی افغانستان در زیر پوشش به نام طالب و شعار دینی همراه با عملکرد ضد دینی و اسلامی آنها بستر ساز اجرای پروسه از قبل تدارک دیده شده قدرت های بزرگ بین المللی به سرپرستی امریکا و انگلیس گردید!

بیچاره ملت مسلمان افغانستان که به خاطر اعتقاد دینی و اسلامی که به طلاب علوم دینی داشتند این گونه به قربانی گرفته می شوند!

جالب تر این که اکثر عملیات تروریستی، انتحاری، و خراب کاری های بین المللی که به نام طالبان افغانی رقم زده شده و هنوز هم می شود در حالی که اعضای دستگیر شده و یا کشته شدگان عملیات تروریستی و انتحاری پاکستانی اند و یا عربهای مربوط به القاعده .

اما متهم و بد نام افغان های مظلوم و مصیبت زده افغانستان می باشند!

به هر صورت میکانیزم حضور جامعه جهانی در افغانستان پس از بیست سال جنگ، نا امنی، تعصب، فساد، ویرانی، تحجر، افراط، تفریط ظلم و انواع شکنجه ها و کشتار های ناشی از تشدید رقابت های بیگانگان بخشی از

برنامه دراز مدت دشمنان اسلام و قدرت های بزرگ جهانی بوده است که علاوه بر مطالعه و دقت بیشتر، مستلزم شناخت منافع منطقه ئی قدرت های بزرگ در رابطه با افغانستان می باشد!

در غیر آن نه تحمیل مشروط گره خورده به باور جمعی ملت ما و نه تعدیل تجاوز سیاسی نظامی دولت ها قابل تحمل می باشد!

بناء توطئه حوادث بزرگ چون "شهادت احمد شاه مسعود" [۱] و انفجار برج های دو قلو آن هم به فاصله دو روز به بهانه جلوگیری از تروریسم و دهشت افگنی رقم می خورد!

تاریخ ۱۸ سنبله سال ۱۳۸۰ مطابق به ۹ سپتمبر ۲۰۰۱ یکی از روز های غم انگیز تاریخ مقاومت و جهاد ملت افغانستان به شمار می رود!

در آن روز بود که یکی از بهترین اسطوره های جهاد توسط بدترین چهره ریا و تزویر و سرسپردگان عرب تبار آن هم در جریان مصاحبه به شهادت می رسد.

شوک ناشی از شهادت اسطوره مقاومت، ملت مسلمان افغانستان، جهاد گران سنگر دفاع، شخصیت های نظامی آزاد و مستقل جهان، حامیان و طرفداران فکری، شخصی، سلیقه ئی من جمله کسانی که از نزدیک با وی ملاقات و آشنائی داشتند را ماتم زده و متأثر ساخت!

دو روز بعد از آن به تاریخ ۲۰ سنبله ۱۳۸۰ مطابق یازدهم سپتمبر ۲۰۰۱ انفجار برج های دو قلو امریکا اتفاق افتاد!

اتفاقی که بیشتر به يك نقشه و یا توطئه حساب شده آنها به اندازه ای که دولت ها را عکس العمل، ملت ها را متعجب، نخبگان سیاسی را مشکوک و انسان دوستان را متحیر و اندوهگین ساخت!

جالب است که پیگیری عوامل هر دو حادثه بزرگ تاریخ، و روند بررسی های انجام شده پیرامون آنها در پرده ابهام باقی مانده است!

در حقیقت سومین سناریوی بزرگ تاریخ را بر ملت کشور ما تحمیل نمودند!

زیرا نتایج حاصله از آنها نشان داده و می دهد که محور و مرکز فرماندهی هر دو یکی بیش نبوده است!

دهه سوم:

واقعیت نشان می ده ده که از ترور "شهید احمد شاه مسعود" و انفجار برج های دو قلو به عنوان حوادث لازم و ملزوم، يك گونه بهره برداری لازم را نموده و می نمایند. به این عبارت که اگر یکی از آنها اتفاق افتاده بود، ملت ما نه شاهد حضور جامعه جهانی می بود و نه افغانستان پایگاه کشورهایی می شد که هر کدام به نوعی امتیاز طلبی های خود شان را نموده و می نمایند!

به هر صورت سناریوی سوم آنچنان آغاز به کار کرد که جامعه جهانی [۲] به سرپرستی و تحریک امریکا، سی و سه روز پس از ترور احمد شاه مسعود به تاریخ ۱۵ میزان ۱۳۸۰ مطابق ۷ اکتوبر / ۲۰۰۱ و سی و پنج روز پس از انفجار برج های دو قلو ساعت ۸ شب به وقت افغانستان و ۹ شب به وقت ایران به نقل از تلویزیون الجزیره اعلام نمود که: شهر کابل مورد اثابت موشک های کروز امریکا قرار گرفت! (۱۳)

در پی حملات هوائی بدون وقفه امریکا و جامعه جهانی و تقابل های ناشی از اختلافات امریکا و انگلیس در رابطه با طالبان، آینده افغانستان، نقش و حضور طالبان، میکانیزم دولت آینده افغانستان، نقش پاکستان و کشورهای

همسایه، چگونگی جنگ و حملات، موقعیت القاعده، مسأله مجاهدین، حضور قومندانها در دولت و ده ها مورد دیگر بگو بگو های وجود داشته و دارد که همواره به نمایش گذاشته شده و می شود!

امریکا و بعضی کشورهای دیگر هم چون چین، شوروی، هند و فرانسه همواره صحبت از حذف طالبان نموده اما انگلیس پاکستان، و کشورهای امارات همواره از حضور طالبان میانه رو در قدرت صحبت نموده و پافشاری نموده و می نمایند!^(۱۴)

در قسمت حضور جبهه متحد در کابل و اشترک شان در جنگ با طالبان، و نوع رهبری جنگهای منطقه ئی با هم اختلاف داشتند. تا جایی که وزیر خارجه و فرمانده جنگی انگلیسها بارها اعلام می نمود ما در این حملات حضور نداشتیم!

به هر صورت پاکستانی های انگلیسی تبار بناء به نقشه های غلطی که امریکا را داده و می دهد و امریکا هم جامعه جهانی را در روشنائی آن رهبری نموده و می نماید! افغانستان پیروز و فاتح در جنگ با روسها را تبدیل به دود و آتش نمودند بالاتر از آن طالبانی را که خود ساخته بودند با سنگین ترین حملات هوایی در تمام نقاط افغانستان کوبیدند در حالی که در پاکستان بدرقه نموده جا و پناهگاه می دادند!

از طرف دیگر فشارهای سیاسی و دیپلماتیک را از زاویه های مختلف آنهم در کشورهای مختلف چون روم، قبرس و بن توسط افراد خاص افغانی و شبکه های غیر افغانی ادامه می دادند تا ترکیبی را به وجود آورده که حضورشان را در افغانستان مشروعیت داده و قانون مند سازند.

سرانجام جلسات منعقد روم و قبرس را با میکانیزم خاص در بن بر گزار کردند!
تاریخ سه شنبه ۱۳ قوس ۱۳۸۰ اعضای شرکت کننده در بن طرح سازمان ملل متحد را تصویب نمودند! و به تاریخ ۱۴ قوس حامد کرزی را سرپرست دولت انتقالی افغانستان تعیین کردند!
سرپرست موقت وزارت خارجه دکتر عبد الله تعیین گردید!^(۱۵)

۱۸ نفر اعضای کابینه از سه قوم ازبکها، هزاره ها، تاجیکها و ۱۱ نفر از پشتونها تعیین گردید!
حامد کرزی در پاسخ به سوال خبرنگار مینی بر این که شما در داخل هستید اما اجلاس بن شمارا با ۲۹ نفر عضو در کابینه به عنوان رئیس موقت انتخاب نموده است آیا می توانید کار کنید یا خیر؟

کرزی در پاسخ گفت: راست این است که من هیچ خبر ندارم و نمی دانم، من در قندهار هستم!^(۱۶)
کرزی در پاسخ این که آیا سازمان ملل در رابطه با جلسه بن فشار آورده است یا خیر گفت: مثل این که فشار بوده و این فشار هم لازم بوده است! حتی اگر لازم شود روز های بیشتر بمانند باز هم لازم است!

اما جنگ و ادامه بمباران هوایی با قوت هر چه تمام تر ادامه پیدا کرد. ماحصل بمباران هوایی امریکا، فرصتی را برای جبهه متحد به وجود آورد که طالبان را مجبور به عقب نشینی نماید و الا نه بمباران هوایی و نه نیرو های زمینی امریکا و جامعه جهانی توانائی شکست طالبان را داشت!

سرانجام به تاریخ ۲۶ عقرب ۱۳۸۰ استاد ربانی علی رغم اختلافات انگلیس و امریکا در رابطه با ورود ایشان به کابل، وارد کابل پایتخت افغانستان گردید.

استاد ربانی را دکتر عبدالله، یونس قانونی، انوری و فهیم همراهی می نمودند.
برهان الدین ربانی رئیس جمهور افغانستان: کسانی که طالبان را به وجود آورده امروز برای نابودی آنها تلاش می کنند. هر کسی که در افغانستان آمده اند به زودی شکست خورده است!^(۱۷)

گورباچف: من برای بوش نصیحت می کنم که از افغانستان خارج شوند زیرا جنگ در افغانستان و افغانستان دیوانگی است!^(۱۸)

وزیر خارجه روسیه اعلام نمود: در دولت آینده افغانستان نباید طالبان حضور داشته باشد!^(۱۹)
اخضر ابراهیمی: افغانستان ۳۰ سال مشکلات دارد اما سازمان های بین المللی تصمیم گرفته اند علاوه بر رفع مشکل افغانستان در فکر سازندگی آن باشند!^(۲۰)

مقامات سیاسی اعلام نمودند که تا سه هفته دیگر دولت جدید افغانستان تشکیل می شود.
قابل یادآوری است که دولت پاکستان همزمان با حملات نظامی امریکا علاوه بر لغو تحریم ها و بخشش قرضه های گذشته کمک های بزرگ اقتصادی را در چندین نوبت از امریکا و بانک جهانی دریافت نمود!
جالب است که امریکا همزمان با تشکیل دولت جدید افغانستان بیش از یک میلیارد دلار در رابطه با جنگ افغانستان آنهم برای سازمان سیا اختصاص می دهد! جالبتر این که همزمان با اختصاص یک میلیارد دلار برای سازمان سیا، دولت پاکستان هم در خواست کمک می نماید!

سرانجام روز شنبه به تاریخ ۱ جدی ۱۳۸۰ ساعت ۹ صبح به وقت افغانستان برنامه انتقال قدرت صورت گرفت!
ختم سخنرانی استاد ربانی ساعت ۱۰/۴۵ دقیقه به زبان فارسی پایان و از آقای حامد کرزی به زبان پشتو آغاز گردید!

ساعت ۱۱/۵ دقیقه مراسم تحلیف شروع شد!

قابل توجه است که آغاز دورنمای بازی انگلیس در رابطه با امریکا جهت امتیاز طلبی بیشتر اقوام [۳] مد نظر پاکستانی های انگلیسی تبار همزمان با مراسم تحلیف در شرق و جنوب کشور رقم زده شد زیرا درگیری و مخالفت ها از سر گرفته شد!

یادآوری يك مطلب را قابل تذکر و تفکر همه خوانندگان عزیز می دانم و آن این که اکثریت طرفداران انگلیس و امریکا که در خوش خدمتی برای دیگران فرصت ها، آرامش، ثبات، امنیت افغانستان و امکانات جامعه جهانی را در رابطه با کشور ما به نابودی گرفته اند پشتونهای اند که سر نخ آن به آی، اس، آی، پاکستان گره خورده است زیرا پاکستان نخستین کشوری است که نمی خواهد افغانستان به عنوان يك کشور مستقل و قوی در منطقه باشد!
جالب تر از آن این که اکثریت مخالفین جیره خواران آی، اس، آی پاکستان و دولت مرکزی افغانستان هم پشتونهای اند که همواره مخالفت نموده و می نمایند! این که، حامیان اصلی طالب به عنوان يك گروه سیاسی از وجود آن ها بهره برداری های سیاسی، نظامی و اقتصادی می نماید بستگی به ساختارهای قومی و قبیله ای آنها دارد!

شتاب زدگی امریکا در اطاعت از پاکستانی ها و عدم توجه آنها به پیشینه طالبان و بستر اصلی رشد، تربیه، تعلیم، تجهیز آنها که جز پاکستان جای دیگر نبوده و نیست نشان داد که امریکا و سیاسیون امریکا در قضیه افغانستان به دور از آینده نگری معقول، جایگاه مثبت و فعال خود را در افغانستان برای دومین بار آسیب پذیر ساخت علاوه بر موقعیت مناسبی را که در بین کشورها به خصوص کشورهایی که در جنگ با افغانستان امریکا را همسویی های نظامی و سیاسی کردند، از دست داد!

بناء احتمال اینکه امریکا در برابر عمل انجام شده قرار گرفته باشد را ممکن می نماید. مضافاً مخالفت انگلیسها علیه دست پرورده هایش طالبان، در همسویی با امریکا آن هم در نخستین حمله، احتمال این که توطئه از طرف آنها تدارك دیده شده باشد، را قوی تر میکند!

به نظر می رسد که انگلیسها خواب هائی برای امریکا دیده باشد! که اگر چنانچه درست باشد مطمئناً امریکا بیچاره تر از شوروی در افغانستان زمین گیر خواهد شد!

چیزی که اکثر سیاست مداران و نظامیان جهان، من جمله انگلیسها، شوروی، چین و غیره امریکا را نصیحت نمودند که نباید وارد بازی هائی شود که در گذشته انگلیسها و شوروی سابق وارد و مبتلای آن شده اند!

متأسفانه امریکا و سیاست مداران آن نه تنها از توصیه و سرنوشت انگلیس و شوروی در رابطه با افغانستان عبرت نگرفته که به تحلیل و تفسیرهای غلط پاکستانی های انگلیسی تبار اعتماد نموده و در يك حرکت دوگانه افغانستانی را که می توانستند بسازند، از دست دادند!

بازی دو گانه امریکا در استفاده از کسانی که هم جنگ سالار و محکوم نموده بود و هم وزیران کابینه حکومت مبتنی بر دموکراسی و قانون منصوب!

هم عامل کشت و توزیع مواد مخدر! و هم مسؤولین مبارزه با مواد مخدر!

هم طرفداران القاعده و طالب! هم مخالفین القاعده و طالب!

هم مسؤول اجرای سیاست های دولتی! هم او پوزسیون سیاست های دولتی!

هم مخالف تروریستها! و هم تمویل کننده آنها می باشد!

دولتی که عملاً و علماً از خود اراده نخواهد داشت! زیرا کاری را بدون سیاست امریکائی ها انجام داده نمی تواند!

همانگونه که امریکا هم کاری را غیر از تحلیل های پاکستانیها انجام داده نمی تواند.

بیچاره دولت تازه تشکیل یافته که خود هم نمی دانست برنامه هایش را چگونه و از کجا آغاز نماید زیرا چیزی نداشت که بگوید و یا بکند جز وعده هائی که در بن داده شده بود!

بناءً از نخستین روز هایش به مشکلات داخلی و خارجی روبرو گردید!

به عبارت دیگر دولتی که پول نداشت! پشتوانه مردمی نداشت! به اصطلاح عامه مردم (نه تانک داشت و نه بانک) از مستقل اندیشیدن و صحیح فکر کردن هم محروم شده بود زیرا تناسب بین افکار و اندیشه کسانی که برای افغانستان تصمیم گرفته بودند و می خواستند کاری انجام بدهند با اندیشه و افکار کسی که انتخابش کرده بودند فاصله داشت!

مضافاً مردمی که جدا از افکار و اندیشه همه آنها می اندیشیدند و فکر می کردند که يك شبه معجزه خواهد شد!

دولت تازه به دوران رسیده شخصی که خودش اطلاع نداشت آیا کاری انجام داده می تواند یا خیر! جز این که وعده های آرزویی که مردم نسبت به ضرورت آن احساس جدی دارند بدهد!

رئیس جمهور منتخب بن در اولین روز پس از تکیه بر اریکه قدرت صحبت از برخورد جدی با مفسد اداری می کند و از استقلال و امنیت پایدار سخن می گوید! و تلاش به خرج می دهد تا جنگ ها را مهار کند که متأسفانه چندان توفیق حاصلش نمی شود!

يك ماه بدین منوال سپری گردید، عملیات مشترک امریکا و دولت مرکزی با نشیب و فراز زیادی رو برو گردید. با توجه به این که شخص آقای حامد کرزی از پشتونهای قندهار می باشد جالب این بود که در قندهار و پکتیا بیشتر از جاهای دیگر درگیری داشت! اما در قسمت نظر جامعه جهانی توفیقاتی را به دست می آورد. زیرا پس از يك ماه در اول دلو ۱۳۸۰ جلسه كمك به بازسازی افغانستان در توکیو دایر گردید!

در این جلسه کشور های شرکت کننده من جمله جمهوری اسلامی ایران به ترتیب متعهد شدند که برای بازسازی و استقرار امنیت در افغانستان كمك هائی را به شرح زیر ببر دازند.

۱- جمهوری اسلامی ایران ۵۶۰ میلیون دلار.

۲- اتحادیه اروپا مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار.

۳- امریکا مبلغ ۳۰۰ میلیون دلار.

۴- بریتانیا مبلغ ۳۰۰ میلیون دلار.

سه شنبه ۲ دلو ۱۳۸۰ زلمی خلیل زاد طی مصاحبه ای پیرامون موضع ایران در رابطه با افغانستان گفت: من آنقدر اطلاع ندارم که سیاست خارجی ایران چیست؟ اما می گویند که ملاها شعار های مرگ بر امریکا را برای ملاهای افغانی یاد می دهند. من به عنوان کسی که کار های امریکا را می کنم، می گویم که ملاهای ایران و جناحی که در وزارت خارجه و ریاست جمهوری آن کار می کنند فرق دارند! ما می گوئیم ایران در امور کشورهای مناطق جنوب غرب دخالت نکند!^(۲۱)

چهارشنبه ۳ دلو ۱۳۸۰ کرزی گفت: ساختن بانک مرکزی برای ما مهم است! ما در پی جلوگیری از فساد جدی هستیم و مردم از ما امنیت می خواهند! باید برای ما تا اول سال ۳۰۰ میلیون دلار داده شود! در همین حال میزگرد توکیو با حضور چهارتن از وزراء هر يك عبدالله، محمد امین فرهنگ، محمد محقق، سهیلا صدیقی با این سؤال که (به نظر شما تصامیمی که گرفته شد، می شود گفت کشور ها در تصمیم خودشان مصمم هستند یا نه؟)

در پاسخ گفتند: برای اولین بار است که مجامع بین المللی در امر افغانستان تصمیم مشترك می گیرند و ما در جدیت آن شك نداریم!

۱۴ دلو ۱۳۸۰ اولین هیأت کرزی به طرف مناطق پکتیا و گردیز رفت که از طرف پاچا خان همکاری نگریدید! ۲۱ دلو ۱۳۸۰ به نقل از روزنامه ایران: دفاتر حزب اسلامی در مشهد و تهران بسته شد. قاضی عبدالحی سخن گوی حکمتیار گفت: حکمتیار فقط در منزل خود با دوستان دیدار و ملاقات می نماید!

موسوی لاری وزیر کشور وقت: ایران جای کسانی نیست که به شیطنت های خودشان دست بزنند! استاد ربانی طی مصاحبه مطبوعاتی گفت: مجلس بن شرم آور بود! ایشان علاوه کردند. توافق نامه ای که او را به حاشیه کشانید نیرنگ شرم آور سازمان ملل بود! اتفاقی که رخ داد از هر حیث رسوائی بود زیرا که دولتش در بیرون مرزها تشکیل شده است! ایشان علاوه کردند سازمان ملل سر ما کلاه گذاشتند. اگر ما اطلاع می داشتیم هیأت قوی می فرستادیم!^(۲۲)

به نقل از ربانی: نیرو های خارجی را در افغانستان بیش از یکسال تحمل نخواهیم کرد! ربانی گفت: اخضر ابراهیمی برایم قول داده بود که جلسه بن فقط مشورتی است تصمیم فقط در کابل گرفته می شود!

جالب تر از همه آزادی ۳۵۰ نفر طالب توسط آقای کرزی آن هم در زمانی که نیروهای امریکا و انگلیس توسط طالبان کشته می شوند است که اگر چنانچه بدون مشوره امریکا بوده باشد، علاوه بر اینکه عمق رابطه پشتونهای افغانستان با پاکستان را نشان می دهد ناتوانی های کرزی را نسبت به نفوذ پاکستانی های انگلیسی تبار منعکس می نماید که قاتلان ملتش را این گونه آزاد می نماید! آنهم زمانی که خون کشتار دسته جمعی مردم شمالی و شمال و مناطق مرکزی افغانستان از چنگال آنها می چکد!

حقیقت امر حکم می نمایاند که آزادی طالبان پاکستانی نشان از نفوذ پاکستانی های انگلیس تباریست که نسبت به امریکائی ها قوی تر عمل می کنند!

به عبارت دیگر اگر اشتباه نکنم این احتمال می رود که انگلیسی ها برای رقیب اصلی خودشان امریکا خط و نشان کشیده می فهمانند که افغانستان در قلمرو منطقه ئی آنها است !
واقعیّت مطلب فوق را زمانی میتوان لمس کرد که جریان فعل و انفعالات نه سال حضور جامعه جهانی را در رابطه با بگو مگو های انگلیس و امریکا مورد بررسی قرار داد!
البته سایر کشورهای دیگر متناسب به موقعیت و توانمندی های نظامی، سیاسی و اقتصادی شان هر چند گاهی سر تکان داده و امتیاز طلبی هائی را عنوان کرده اند که به واسطه یکی از دو قدرت امریکا و یا انگلیس تعدیل شده اند! اگرچه اتحادیه اروپا در این میانه نسبت به دیدگاه هایش تأکیدات بیشتری را داشته اند!
به هر صورت امریکا در برابر توطئه انگلیس و فریب کاری های پاکستان عملاً آسیب پذیر گردیده و هر روزی که می گذرد موقعیت سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و دیپلماتیک آن در رابطه با مواضع قبلی اش کم رنگ تر گردیده و چه بسا که منتفی گردیده و می گردد که بخشی از آنرا ذیلاً تحریر میدارم!
ادامه دارد

یادداشتها:

تمام آنچه در ذیل می آیند، مبین مواضع پورتال می باشند و نویسنده مطلب در قبال آن کدام مسؤلیتی ندارد.
با تمام احترامی که به همکار گرامی ما آقای "افضلی" داریم به صراحت می نگاریم که در نکات آتی نه تنها با طرز دید شان موافق نیستیم، بلکه به شدت مخالف آن نیز می باشیم:
[۱]- خلاف برداشت نویسنده که از "احمد شاه مسعود" تکریم به عمل آورده است، پورتال را عقیده بر آن است که وی نیز به مانند سایر همسلکان و همقطارانش از قبیل گلبدین، سیاف و مزاری، یک تن از قاتلان ملت ما بوده و به اساس اسنادی که وجود دارد، به علاوه قاتل مردم، خاین به کشور نیز می باشد.
[۲]- ما از آغاز تشکل پورتال با صراحت ابراز داشته ایم که آنچه را امپریالیزم زیر عنوان "جامعه جهانی" می خواهد به خورد مردم بدهد، تمام آنها بدون استثناء شرکای جنایتکار امپریالیزم امریکا می باشند، که کشور ما را اشغال و مردم ما را قتل عام می نمایند.
[۳]- تحقیقات نشان داده که در جریان بیش از سه دهه حاکمیت قدرت های استعماری در افغانستان، دشمنان افغانستان اعم از کشورهای همسایه، منطقه و یا جهان، با تمام قدرت کوشیده اند تا در بین تمام اقوام و ملیت های افغانستان، مزدور و وطن فروش دست و پا نمایند. که با تأسف تمام آنها من جمله پاکستان و ایران در این هدف شوم شان موفقیت هائی به دست آورده قادر شده اند تا عناصر ضعیف النفس و وطن فروش را در خدمت خویش قرار بدهند.

این افراد خاین به کشور به یک قوم و یا ملیت مشخصی محدود نگردیده، باز هم با تأسف می توان نوشت: خابنین تمام اقوام و ملیت ها اعم از تاجک، پشتون، هزاره، ازبک، بلوچ و ... بدون استثناء در خدمت بیگانگان قرار دارند.

اداره پورتال AA-AA